

ارزشیابی ترجمه واژگان اضداد در قرآن

جمال فرزند وحی^۱

فاطمه حیدری^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۵/۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۶/۱۶)

چکیده

اشتراک لفظی در بخش قابل توجهی از مفردات قرآن به چشم می‌خورد. از زیر مجموعه‌های اشتراک لفظی، واژگان اضداد هستند که دارای دو معنای متضادند مانند «عسعس». نکته قابل توجه در مورد این واژگان این است که می‌توان معنای آن‌ها را با استفاده از معیارهایی مانند آیات، روایات، کتب لغت و مفسرین به دست آورد. بعد از بدست آوردن معنای واژگان اضداد با استناد به معیارهای ذکر شده، می‌توان در ترجمه‌های فارسی قرآن ترجمه آن‌ها را ارزشیابی نمود. مطالعه واژگان اضداد در ترجمه‌های آیتی، الهی قمشهای، انصاریان، حجتی، خرمشاهی، فولادوند، مجتبیوی، مشکینی، مکارم و المیزان این نتیجه را به دست داد که بعضی واژگان در همه ترجمه‌ها به یک معنا (موافق با معیارهای ذکر شده) و بعضی واژگان در یک ترجمه به هر دو معنای ضد آورده شده‌اند و بعضی واژگان در یک ترجمه به یک معنا و در ترجمه دیگر به معنای دیگر آمده است. روش به کار رفته در این تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: ارزشیابی ترجمه، ترجمه قرآن، واژگان اضداد، واژگان اضداد قرآن.

farzandwahy@yahoo.com

fheydari278@yahoo.com

۱. استادیار دانشگاه رازی، (نویسنده مسئول)؛

۲. طلبه سطح ۳ حوزه علمیه کرمانشاه.

۱- مقدمه

هدف نزول قرآن، هدایت انسان‌هاست که این مهم در قرآن کریم به صراحت بیان شده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (النحل، ۸۹) و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه‌ی هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است. سیراب شدن شیفتگان قرآن از معارف والای این کتاب آسمانی در گرو فهم و روشن شدن معانی کلام الهی است. از این رو صدها ترجمه از قرآن کریم در طول تاریخ تاکنون در سراسر جهان عرضه شده است تا همه ملت‌ها با هر زبانی از پرتو نور الهی قرآن بهره‌مند شوند.

برخی از واژگان قرآن، دارای دو معنای متضادند که آن‌ها را اضداد می‌خوانند مانند «عسعس» که به دو معنای رو کردن و پشت کردن تاریکی شب اطلاق می‌شود و با توجه به قرائن موجود در کلام، یکی از آن دو معنا متعین می‌گردد. برخی مترجمان قرآن کریم به قرائن موجود در کلام توجه نموده و معنای صحیح را آورده‌اند و عده‌ای هم دچار اشتباه شده و در تعیین معنای صحیح، به خطا رفته‌اند.

توجه به ترجمه‌ی واژگان به خصوص واژگان اضداد زیبایی‌های قرآن را به تصویر کشیده و در فهم مخاطب و پیام‌رسانی ترجمه نیز تأثیر خواهد داشت البته نباید فراموش گردد که مترجمین در هر عصری خدمات بسیاری در گسترش فرهنگ اسلامی داشته‌اند و کار ترجمه، سیر تکاملی را طی نموده و این مسیر در آینده نیز طی خواهد شد. به‌طور حتم حرکت تکاملی زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که نقاط ضعف شناسایی و در جهت اصلاح یا تکمیل آن‌ها گام‌هایی برداشته شود.

این تحقیق به ارزشیابی ترجمه ۱۰ واژه ضدّ قرآن در ۱۰ ترجمه فارسی معاصر می‌پردازد و ذکر نام مترجمین محترم در این تحقیق فقط با هدف کمک به سیر تکاملی ترجمه و در نهایت احترام به کار ارزشمند ایشان است که با انجام اصلاحات ممکن در

ترجمه‌های خود علاوه بر شناساندن بیشتر پیام والای وحی الهی، ترجمه‌هایی کامل‌تر و دقیق‌تر و نزدیک‌تر به زبان مبدأ ارائه نموده و راه آیندگان را در این مسیر، پرنورتر خواهند نمود و هدف ترجمه که همان انتقال مفاهیم از زبان مبدأ به مقصد است را تا حد امکان تحقق بخشند. در خصوص واژگان اضداد حدود ۳۰ کتاب نوشته شده که مهم‌ترین آن‌ها الاضداد ابن انباری با بررسی ۴۰۰ واژه ضدّ است و ثلاثه کتب فی الاضداد آگوست هفتر، الاضداد فی الکلام العرب ابوطیب لغوی و الاضداد اثر قطرب نمونه‌های دیگری از آن‌هاست.

۲- مفهوم ارزشیابی ترجمه

ارزشیابی یعنی عمل یافتن ارزش‌ها و بهای هر چیز، تعیین بهاء و ارزش هر چیزی، بررسی کردن (عمید، ۱/۲۴۱)، تعیین ارزش و یا اهمیت یک چیز (دهخدا، ۲/۱۴۳)، فرآیندی برای تعیین کردن، به دست آوردن و فراهم ساختن اطلاعات مفید برای قضاوت در تصمیم‌گیری‌ها است (بازرگان، ۷). از زمانی که انسان پا به این کره خاکی گذاشت و شاید هم قبل از آن ارزشیابی وجود داشته است؛ زیرا انسان همیشه در کارهای مختلفی که قصد انجام آن‌ها را دارد معیارهای خوب و بد و مطلوب و نامطلوب را در نظر می‌گیرد و در واقع برای کارها ارزش قائل است. در قرآن کریم تعریف خاصی از ارزشیابی نشده است اما در نظام تشریح، آیات قرآنی در موضوعات مختلفی، مانند قصص انبیاء، اوصاف بهشتیان جهنمیان، زندگی پس از مرگ، همه و همه نعمت جزا را که مبتنی بر ارزشیابی است، زمزمه می‌کنند. اعمال انسان‌ها توسط خداوند متعال مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد. خداوند متعال می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (الملك، ۲) خداوند مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید». ارزشیابی از نظر قرآن سنجش و قضاوت در باره اعمال و رفتار انسان بر اساس عوامل و معیارهای مربوط به عملکرد و رفتار، جهت دادن پاداش و جزای مناسب است. ترجمه از (رجم) به معنای افکندن و پرتاب کردن (دهخدا، ۵۵۷)، نقل مطلب یا مطالبی

از یک زبان به زبان دیگر با رعایت ضوابط (عمید، ۵۲۰؛ ابن منظور، ۶۱/۱۲)، روشن کردن، توضیح دادن و تبیین کردن است (فیومی، ۹۱/۱؛ طریحی، ۲۱/۶) و در اصطلاح «فرآیند جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ به وسیله عناصر متنی زبانی مقصد که طی آن مترجم باید سعی کند با این عمل جایگزین سازی خود، زمینه‌ای را فراهم آورد که در آن، نویسنده اصلی و خواننده متن ترجمه باهم به تعادل و تأثیر متقابل بپردازند» (پورساعدی، ۷۰).

۳- واژگان اضداد قرآن

واژگان اضداد دارای دو معنای متضاد هستند که اهل لغت تعداد آن‌ها را در زبان عربی حدود چهارصد لغت شمرده‌اند که از میان آن‌ها حدود یک‌صد و پنجاه لغت در قرآن کریم آمده است (ابن انباری، ۱۴). در اولین تألیفات درباره اضداد انگیزه دینی و قرآنی دیده نمی‌شود؛ ولی به تدریج برخی از دانشمندان با هدف کمک به ترجمه و تفسیر صحیح آیات قرآن به بحث در مورد واژگان اضداد قرآنی پرداختند. برای نخستین بار خلیل بن احمد فراهیدی به واژگان اضداد توجه کرد و آن را نشان از گستردگی زبان عربی دانست. بعد از خلیل، قطرب اضداد را از الفاظ مشترک شمرد که یک لفظ، دارای دو معنای متضاد باشد (طیب حسینی، ۷۰). اضداد قرآنی که مورد توجه دانشمندان قرار گرفته‌اند به سه دسته می‌توان تقسیم نمود:

الف- واژگانی که از دو معنای متضاد، فقط یک معنای آن در قرآن به‌کاررفته است، مانند سآمد، اخفی، اسر، ذریه، مسجور، هجر، یوزعون و...

ب- واژگانی که دو معنای متضاد آن‌ها در قرآن به‌کار رفته است. به این صورت که در یک آیه یک معنا و در آیه‌ای دیگر معنای دیگر آمده است، مانند واژه نَسِیَ به معنای فراموشی عمدی و فراموشی غیر عمدی، قسط به معنای عدل و ظلم، و لّی به معنای رو کردن و پشت نمودن و...

ج- واژگانی که در یک آیه می‌توان هر دو معنای متضاد را بر آن حمل نمود، مانند

«عسس» که به معنای روی آوردن و پشت کردن، قروء به معنای طهر و حیض، مُقوین به معنای ثروتمند و فقیر، هوی به معنای صعود و سقوط و... برای دستیابی به معنای نزدیک به واقع و اصلی واژگان اضداد باید به معیارهای صحت معانی توجه نمود.

۴-۱. معیارهای صحت معانی واژگان اضداد در ترجمه

معیارهایی هستند که برای رسیدن به معنای اصلی واژه به مترجم کمک می‌کنند که هرکدام از واژگان اضداد را می‌تواند به وسیله یک یا چند معیار در یکی از معانی متعین نماید.

۴-۱.۱. موافقت با آیات

اولین و مهم‌ترین منبع برای فهم معانی آیات قرآن، خود قرآن است. به معنای روشن‌تر قرآن با قرآن تفسیر شود. در این‌جا تفسیر قرآن به قرآن این امکان را فراهم می‌نماید که معنای برخی از واژگان اضداد مشخص گردد، به این صورت که در ادامه‌ی آیه یا در آیات دیگر معنای مشخصی از واژه تبیین می‌گردد؛ زیرا بنا به فرموده امام علی(ع) برخی آیات یکدیگر را تبیین می‌کنند و آیات قرآن گواه صدق یکدیگرند (سیدرضی، خطبه ۱۸).

۴-۲. موافقت با روایات

قرآن کریم کتاب هدایتگر و پاسخگوی نیازهای بشر در همه زمان‌هاست. توضیح و تفسیر این کتاب آسمانی و آشکار کردن معانی و مفهوم کلام الهی، محدود به عصر نزول و دوره زندگی پیامبر (ص) نبوده و در زمان سایر معصومین (ع) نیز جریان داشته است. مقارنه‌ی قرآن و عترت در حدیث مشهور ثقلین گواه بر این مطلب است که پس از رسول خدا (ص) برترین مفسران و آگاه‌ترین افراد نسبت به معارف قرآنی، اهل بیت ایشان هستند. عدم جدایی اهل بیت(ع) از قرآن و در کنار هم بودن آن دو تا قیامت نشان می‌دهد که هر یک از ثقلین، مبین یکدیگرند. از طرفی اولین گام در جهت تفسیر آیات و کشف مقصود

خداوند آگاهی از لغات است و یکی از مهم‌ترین و مؤثق‌ترین منابع برای آگاهی از معانی لغات و مفردات قرآنی، روایات تفسیری معصومین (ع) هستند. در شماری از روایات تفسیری، صرفاً یک واژه با مترادفات آن بیان شده است و معلوم است که بیشتر شبیه به ترجمه و توضیح است و انگار برای مخاطب همان واژه مبهم بوده و نیاز به توضیح دیگری نداشته است، گاهی نیز در ضمن سؤالی که از معصوم (ع) پرسیده شده معنای واژه به طور غیرمستقیم مورد تأیید ایشان قرار گرفته است.

۳-۴. موافقت با لغت عرب

برای فهم معنای مفردات آیات قرآن کریم علاوه بر قرآن و روایات، آگاهی از معنا و مفاهیم کلمات قرآن در زمان نزول و زمان نزدیک به آن لازم است. در بعضی موارد به مفهوم و معنای لغات در سخن لغت شناسان، زمانی می‌توان اعتماد نمود که مغایرتی با کلام خدا و اهل بیت (ع) نداشته باشد و در تفسیر مفسران معتبر شناخته شود، بنا براین نظر لغت شناسان در مفردات قرآن و به طور خاص در اضداد می‌تواند یکی از معیارهای صحت معانی آن‌ها باشد.

۴-۴. موافقت با دیدگاه مفسرین

مفسر قرآن که کار تفسیر آیات را بر عهده می‌گیرد باید به مفاهیم مفردات قرآن و ویژگی‌های مفهومی آن‌ها آگاهی و اشراف کامل داشته باشد؛ تا تفسیری مطابق واقع ارائه نماید. گاهی مفسران، مفردات خاصی را که در بعضی آیات قرآن آمده است در تفسیر خود تبیین و به ذکر معانی مورد نظر می‌پردازند و گاهی هم در تبیین معانی مفردات با هم ممکن است اختلاف داشته باشند، بنابراین در ترجیح معانی مفردات قرآن و به طور خاص در این‌جا «واژگان اضداد» یکی از معیارهای صحت معانی مفردات، دیدگاه و نظر مفسرین این است که به طور خاص به بحث در مورد ترجمه واژه‌ای پرداخته‌اند.

۵- بررسی معیارهای صحت معانی در ده واژه ضدّ قرآن

در این جا به بررسی معنای ده واژه ضدّ قرآن از باب نمونه با معیارهای صحت معانی (یک یا چند معیار) پرداخته می‌شود.

۱-۵. آسّر

در مورد این واژه به این آیه توجه شده است: «وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ» (یونس، ۵۴) اصمعی می‌گوید: «اسررتُ الحدیث یعنی سخن را آشکار کردم یا سخن را مخفی کردم» (اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، ۲۱) سجستانی، ابن سکیت، صغانی (همانجا، ۱۱۴ و ۱۷۶ و ۲۳۱)، ابوطیب لغوی (اللغوی، ۲۳۰)، ابن انباری (ابن انباری، ۴۵) و ازهری (ازهری، ۱۰۲/۱۲) بر این باورند که این واژه از اضداد است و به معنای «آشکار کردن و مخفی کردن» به کار می‌رود. در آیه فوق اسرّ به استناد به دو آیه دیگر قرآن کریم به معنای پنهان کردن و مخفی کردن است: «وَأَسْرُوا قَوْلَكُمْ أَوْ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (الملک، ۱۲) و گفتارتان را چه مخفی کنید و یا آشکار بگویید خداوند به آنچه در قلبهای شماست آگاه است» که معنای مخفی کردن برای اسرّ در آیه آمده است و نیز آیه شریفه «سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ» (الرعد، ۱۰) مساوی است برای خدا هر کسی که گفتارش را پنهان کند و کسی را که آن را آشکار بگوید» و از امام صادق (ع) در مورد آیه ۵۴ سوره یونس «وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ» پرسیدند که مخفی کردن پشیمانی برای آنان که در عذابند چه نفعی دارد؟ حضرت فرمود: چون آن‌ها از سرزنش دشمنانشان (دیگران) آکراه دارند. (عروسی حویزی، ۳۰۷/۲؛ فیض کاشانی، ۲۲۲/۴؛ قمی، ۲۰۳/۲) در ضمن سؤالی که پرسیده شده اسرّ به معنای مخفی کردن مورد تأیید امام (ع) قرار گرفته است. در لغت اسرّ خلاف اعلان بوده و به معنای مخفی کردن است اما در آیه ذکر شده به معنای کتمان کردن (راغب اصفهانی، ۴۰۴) مخفی کردن و پوشاندن (ابن منظور، ۳۴) و مقابل آشکار کردن (مصطفوی، ۱۱۸/۵) است. در تفاسیری مانند مجمع البیان، تیان،

کشاف، قمی، میزان، نمونه، روح المعانی، جامع البیان و کنزالدقائق واژه اسر در آیه ذکر شده به معنای مخفی کردن آمده است (نک: به تفاسیر مذکور ذیل آیه ۵۴ سوره یونس).

۲-۵. تَهَجَّد

تهجد یک بار در قرآن در آیه ذیل آمده است: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ» (الاسراء، ۷۹). اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، صغانی (اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، ۴۰ و ۱۲۳ و ۲۴۹ و ۱۲۷)، ابوطیب لغوی (اللغوی، ۴۲۵)، ابن انباری (ابن انباری، ۵۰) و قطرب (قطرب، ۱۲۹) این واژه را از اضداد دانسته‌اند که به دو معنای «خواب و بیداری از خواب» است. در آیه فوق تهجد به معنای بیدار شدن از خواب از ادامه آیه فهمیده می‌شود «بِهِ نَافِلَةٌ لِّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (الاسراء، ۷۹) زیرا خواندن نافله و رسیدن به مقام محمود با بیدار شدن از خواب حاصل می‌شود نه با خوابیدن و نیز از آیات «قَسَمَ اللَّيْلِ إِنَّا قَلِيلًا نِصْفُهُ أَوْ انْقُصَ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» (المزمل، ۲-۴) فهمیده می‌شود که به پیامبر(ص) دستور می‌دهد مقدار کمی از شب را بخوابد و بقیه را به عبادت خداوند بپردازد (طباطبایی، ۱۴۵/۱۶). در روایات نیز تهجد به معنای بیدار شدن از خواب آمده است، پیامبر اکرم (ص) به سبب بیدار شدن از خواب و تهجد مقام شفاعت در روز جزا را یافته است (همانجا، ۱۷۶/۱۳) و در روایتی نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر چقدر که شب هنگام از خوابتان برای نماز شب و تهجد بزنید به همان اندازه خستگی از شما دور می‌شود (پاینده، ۱۹۴). از نظر راغب، ابن منظور، قرشی، مصطفوی، فیومی (نک: کتب لغت مذکور ذیل واژه هجد) و در تفاسیری مانند مجمع البیان، کشاف، جامع البیان، میزان، معالم التنزیل، تبیان و تفسیر کبیر واژه تهجد در آیه شریفه به معنای بیداری از خواب آمده است (نک: به تفاسیر مذکور ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء).

۳-۵. ذَرِيَّة

در مورد این واژه به آیه «وَ آيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ» (یس، ۴۱)

توجه شده است. ذریه از اضداد بوده و به معنای «فرزندان، اجداد و پدران» آمده است و این نظر صغانی (اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، ۲۱۶) و ابن انباری (ابن انباری، ۳۴) است. ذریه طبق دو آیه ی دیگر قرآن (از باب نمونه) به معنای فرزندان است، اول: آیه «وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (الانعام، ۸۷) و از پدران و فرزندان و برادران آن‌ها افرادی را برگزیدیم و به راه راست هدایت نمودیم». دوم: آیه «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً (آل عمران، ۳۸) خداوندا از طرف خود فرزندان پاکیزه‌ای به من عطا فرما». ذریه در لغت به معنای نسل و فرزندان (مصطفوی، ۸۳/۴؛ قرشی، ۶۱/۳) و «اولادالصغار» است اگر چه گاهی در استعمال‌های متعارف در خردسالان و بزرگسالان می‌آید (راغب اصفهانی، ۳۲۷). در تفاسیر المیزان، کشاف، روح المعانی، جامع البیان، انوارالتنزیل، قمی، بحرالمحیط و.... ذریه به معنای فرزندان (نسل) آمده است (نک: به تفاسیر فوق ذیل آیه ۴۱ سوره یس)، در مجمع البیان و تفسیر قرآن العظیم ابن کثیر این واژه به معنای اجداد و نیاکان آمده است (طبرسی، ۴۱۱/۲۰؛ ابن کثیر، ۵۷۴/۳).

۵-۴. عسعس

واژه عسعس یک بار در قرآن و در آیه «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ» (التکویر، ۱۷) آمده است. اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، صغانی (اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، ۷ و ۹۷ و ۱۶۷ و ۲۳۹)، ابوطیب (اللغوی، ۳۰۸)، ابن انباری (ابن انباری، ۳۲) و قطرب (قطرب، ۱۲۲) آن را از اضداد شمرده و به دو معنای «پشت کرد و روی آورد» آورده‌اند. در آیه فوق منظور از عسعس به قرینه آیه بعدی «وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ» (التکویر، ۱۸) که سخن از صبح می‌گوید، پشت کردن شب و تمام شدن آن است. آیه دیگری نیز بر صحیح بودن این معنا دلالت دارد «وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ (المدثر، ۳۳) و قسم به شب هنگامی که پشت کند». در روایتی از امام علی (ع) عسعس به معنای پشت کردن شب آمده است «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ يَعْنِي إِذَا أَدْبَرَ بِظُلَامٍ (سیوطی، ۲۸۶/۸) یعنی زمانی که شب با تاریکی اش پشت کند». از نظر راغب و قرشی عسعس به معنای روی آوردن و

پشت کردن شب است (راغب اصفهانی، ۵۶۶؛ قرشی، ۳۵۰/۴) در حالی که فیومی آن را به معنای روی آوردن شب آورده است (فیومی، ۱۹۷)، مصطفوی معنای پشت کردن شب را ترجیح داده است (مصطفوی، ۱۸۱/۸). در تفاسیر کشاف، بحرال محیط، جامع البیان، روح المعانی، تیبان، مجمع البیان، المیزان، نمونه، معالم التنزیل، انوارالتنزیل، معانی القرآن و... عسعر به معنای پشت کردن شب (نک: به تفاسیر فوق ذیل آیه ۱۷ سوره تکویر) و در تفاسیر غریب القرآن ابن قتیبه، ابن کثیر، قمی، مقاتل و تفسیر کبیر به معنای روی آوردن شب آمده است (نک: به تفاسیر فوق ذیل آیه ۱۷ سوره تکویر).

۵-۵. قانع

بحث اضداد بودن این واژه در آیه «وَأَطْعَمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ» (الحج، ۳۳) است. ابن انباری (ابن انباری، ۶۶)، قطرب (قطرب، ۹۵)، اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، صغانی (اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، ۴۹ و ۱۱۶ و ۲۰۱ و ۲۴۳) و ابوطیب (اللغوی، ۳۶۲) قانع را از اضداد دانسته که به معنای «شخصی که درخواست می‌کند و شخصی که درخواست نمی‌کند» می‌آید. باید گفت قانع در آیه فوق به معنای کسی است که درخواست نمی‌کند با استناد به آیه «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (الذاریات، ۱۹؛ المعارج، ۲۴) و در اموالشان حقی است برای محرومی که درخواست می‌کند و محرومی که درخواست نمی‌کند». از نظر راغب، قرشی، مصطفوی، فیومی (نک: به کتب لغت فوق ذیل واژه قنع) و تفاسیر مجمع البیان، المیزان، درالمنثور، روح المعانی، کشاف، معالم التنزیل، بحرال محیط، تیبان و نمونه قانع به معنای کسی است که درخواست نمی‌کند و به هر چه به او بدهند راضی است (نک: به تفاسیر ذکر شده ذیل آیه ۳۶ سوره حج).

۵-۶. مسجور

واژه مسجور در آیه «وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ» (الطور، ۶) مورد بحث اضداد است. اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، صغانی (اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، ۱۰ و ۱۲۶ و ۱۶۸ و ۲۳۱)،

ابن انباری (ابن انباری، ۵۴) و قطرب (قطرب، ۱۰۲) مسجور را اضداد دانسته‌اند و به دو معنای «پر و خالی» آورده‌اند. مسجور در آیه فوق به معنای «برافروختن و پُر» است. معنای برافروختن با استناد به آیات «فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ» (غافر، ۷۲) پس در آتش افروخته شده انداخته می‌شوند» و «وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ» (التکویر، ۶) قسم به دریاها هنگامی که پر می‌شوند» و معنای پُر از آیه «وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ» (الانفطار، ۳) و زمانی که دریاها پر و به هم پیوسته شوند» فهمیده می‌شود البته پر و متصل شدن دریاها از نشانه‌های وقوع قیامت است (مکارم شیرازی، ۲۱۱/۲۶). راغب مسجور را در آیه به معنای شعله‌ور کردن و مصطفوی، قرشی، ابن فارس (نک: به کتب لغت فوق ذیل واژه سجر) و تفاسیر المیزان، نمونه، کبیر، تبیان، انوارالتنزیل، جامع البیان، صافی، کشاف، بحرالمحیط و کنزالدقائق به معنای پر و برافروخته دانسته‌اند (نک: به تفاسیر فوق ذیل آیه ۶ سوره طور).

۷-۵. مقوین

مقوین یک بار در قرآن در آیه «نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَ مَتَاعًا لِّلْمُقْوِينَ» (الواقعه، ۷۳) آمده است. قطرب (قطرب، ۹۲)، ابوطیب (اللغوی، ۳۵۸)، ابن انباری (ابن انباری، ۶۸)، اصمعی، سجستانی، ابن سکیت و صغانی (اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، ۸ و ۹۳ و ۱۶۷ و ۲۴۳) مقوین را به معنای «کسی که مال زیاد دارد و ثروتمند است و به معنای فقیر» آورده‌اند. در روایتی از پیامبر اکرم (ص): «مَتَاعًا لِّلْمُقْوِينَ وَ قَوْهَ لِّلْمُسْتَضْعَفِينَ» مقوین به معنای انسان مستضعف و فقیر گرفته شده است (سیوطی، ۱۶۱/۶؛ عروسی حویزی، ۲۲۰/۱) و در روایتی که از ابن عباس نقل شده به معنای مسافرین آمده است (سیوطی، همان؛ ۱۱۶/۲۷). این واژه در لغت دارای دو معنای متضاد است: به کسی گفته می‌شود که صاحب مال و امکانات باشد و کسی که مال و امکانات خود را از دست داده باشد (ابن فارس، ۸۴۰/۳؛ ابن منظور، ۳۲۰/۴) و در آیه فوق اگر از ریشه قواء باشد به معنای بادیه نشینان فقیر و اگر از ریشه قوّت باشد به معنای نیرومندان و ثروتمندان است (شریعتمداری،

۶۰۵/۳)، در تفاسیر هم به کسی که مالی برای او نیست و فقیر است، اسم فاعل از اقواء به معنای وارد شدن و ماندن در بیابانی است که احدی در آن نباشد (طباطبایی، ۵۳۰/۱۴؛ ابوحیان، ۷۵/۱۲)، افراد بادیه نشینی که معمولاً فقیرند و گاهی هم این واژه به معنای فقیر (مکارم شیرازی، ۲۵۹/۲۳)، کسی که از مال و نعمت نیرومند گشته یا این که کسی که تمام مالش را از دست داده باشد و بر زمین خالی از هر چیز نازل شده باشد (طبرسی، ۱۷۳/۲۴)، فقیر و گرسنه (طبری، ۲۰/۲)، کسانی که در بیابان فرود آمده‌اند و سفره آن‌ها از طعام خالی است (زمخشری، ۴۶۷/۴) آمده است.

۵-۸. هَوَى

این واژه در آیه «وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَى» (النجم، ۱) مورد بحث اضداد است. ابن انباری می‌گوید: «معروف در کلام عرب این است که هَوَتْ الدُّلُو تَهْوِي هَوِيًّا؛ دلو در چاه سقوط کرد چه سقوط کردنی» (ابن انباری، ۳۷۹)، قطرب (قطرب، ۱۲۰)، سجستانی، صغانی (اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، ۱۰۰ و ۲۴۷) و ابوطیب (اللغوی، ۴۲۳) آن را از اضداد شمرده‌اند و به معنای «بالارفتن و صعود، سقوط و نازل شدن» آورده‌اند. در آیه شریفه هوی به معنای پایین آمدن و سقوط کردن آمده است. با استناد به آیه «فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (المرسلات، ۸) در آن هنگام ستارگان محو و تاریک می‌شوند» طمس به معنای از بین رفتن است و از بین رفتن ستارگان زمانی است که جهان در آستانه‌ی قیامت باشد که همراه با سقوط و پایین آمدن آن‌ها است (طباطبایی، ۱۵۰/۱۶). آیه دیگری که معنای سقوط و پایین آمدن را تأیید می‌کند «وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (التکویر، ۲) و زمانی که ستارگان فرو افتند»، انکدار به معنای سقوط است و انکدار مرغ از هوا به معنای آمدنش به طرف زمین است بنابراین در آیه مراد سقوط و پایین آمدن ستارگان است (همان). در کتب لغت هوی به معنای سقوط از بالاترین قسمت به پایین‌ترین قسمت، سقوط از سمت سر به طرف غروب، صعود کردن است (فراهیدی، ۱۲۰/۱۰) و در آیه مقابل نجم به معنای تمایل به سقوط، پایین و

غروب (راغب اصفهانی، ۷۹۱)، افتادن از بالا به پایین (فیومی، ۳۱۰؛ قرشی، ۱۷۰/۷)، فرود آمدن، خالی شدن و پایین آمدن (ابن فارس، ۳۴/۶)، گرایش و میل به سمت پایین است و معنای بالا رفتن در آن نیست (مصطفوی، ۳۰۰/۱۱). در تفاسیر المیزان، نمونه، انوارالتنزیل، روح المعانی، کشاف، بحرالمحیط، معانی القرآن فراء، صافی، تبيان، معالم التنزیل، بحر المحيط، مجمع البیان، جامع البیان و... به معنای سقوط و پایین آمدن آمده است.

۹-۵. هَجْر

در آیه «وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» (النساء، ۳۴) واژه هَجْر مورد بحث است. قطرب (قطرب، ۱۴۱)، ابوطیب (اللغوی، ۴۲۸) صغانی (اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، ۲۴۷) و ابن انباری (ابن انباری، ۲۱۳) هجر را به دو معنای «روی گرداندن و وصل شدن» آورده‌اند. در آیه فوق واژه‌ی هَجْر به معنای روی گرداندن، رها کردن و دوری کردن است و شاهد بر این نظر آیات «وَاهْجُرْهُمْ هِجْرًا جَمِیلًا» (المزمل، ۱۰) به طرز زیبا و شایسته‌ای از آنان دوری کن، «وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ» (المدثر، ۵) و از بدی دوری کن، «إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (الفرقان، ۲۵) پروردگارا امت من قرآن را رها کردند». از نظر لغویون هجر در آیه شریفه به معنای جدا شدن انسان از دیگری یا با بدن یا با زبان یا با قلب (راغب اصفهانی، ۸۲۰)، جدا شدن و ترک کردن چیزی (قرشی، ۱۳۹/۷)، ترک چیزی با وجود ارتباط بین آن دو (مصطفوی، ۲۰۱/۱۳) آمده است و در تفاسیر المیزان، تبيان، نمونه، مجمع البیان، کشاف، بحرالمحیط، جامع البیان، مقاتل، معالم التنزیل، روح المعانی، انوارالتنزیل، تفسیر کبیر و... به معنای جدایی و دوری کردن در هنگام خواب آمده است (نک: به تفاسیر فوق ذیل آیه ۳۴ سوره نساء).

۱۰-۵. یُوزَعُونَ

بحث اضداد بودن یُوزَعُونَ در آیه «فَهُمْ يُوزَعُونَ» (النمل، ۱۷) است. ابن انباری (ابن انباری، ۱۳۹)، قطرب (قطرب، ۱۳۵)، سجستانی و صغانی (اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، ۲۴۱) این واژه را از اضداد دانسته‌اند که به معنای انفاق کردن، منع کردن و بازداشتن

می‌آید. یوزعون از اوزع به معنای الهام کردن، جمع و فشرده کردن است (ابن فارس، ۳۲۱/۳) و در آیه شریفه به معنای حبس کردن اولی تا آخری برسد (راغب اصفهانی، ۸۶۸)، منع و حبس کردن (برای جلوگیری از تفرق) (قرشی، ۲۰۶/۷)، تقسیم با رعایت اندازه و برابر که از آثار آن ممانعت، جمع، متفرق کردن، ایجاد ولع و الهام است (مصطفوی، ۹۶/۱۳). در تفاسیر جامع البیان، مجمع البیان، تبیان، المیزان، نمونه، صافی، کنزالدقائق، بحرالمحیط، معانی القرآن فراء، معالم التنزیل، انوارالتنزیل و روح المعانی به معنای منع و حبس به منظور جلوگیری از تشتت (باز داشتن اولی تا رسیدن آخری) آمده است.

۶- نقاط قوت و ضعف ترجمه‌ها با تکیه بر میزان موافقت و عدم موافقت با معیارهای صحت معانی

پس از بررسی معانی واژگان اضداد در آیات، روایات، لغت‌نامه‌ها و تفاسیر به نقد و بررسی ترجمه واژگان اضداد در ده ترجمه قرآن: المیزان، آقایان انصاریان، مکارم شیرازی، حجتی، الهی قمشه‌ای، مشکینی، مجتبوی، خرمشاهی، فولادوند و آیتی پرداخته می‌شود. ترجمه‌هایی که طبق یک یا چند معیار صحت معانی ترجمه شده باشند صحیح خواهند بود. در غیر این صورت دارای ضعف هستند.

۶-۱. آسَرٌ

الف) در آیه «وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ» (یونس، ۵۴) معنای «اسر» پنهان کردن است. ترجمه المیزان: «چون عذاب را ببینند پشیمانی خود را پنهان می‌سازند». آقایان انصاریان، مشکینی، آیتی، الهی قمشه‌ای، خرمشاهی، فولادوند، مجتبوی به معنای پنهان کردن آورده‌اند که ترجمه طبق آیات، روایات، لغت‌نامه و تفاسیر است. آقایان مکارم شیرازی و حجتی: چون عذاب خدا را ببینند پشیمانی خود را کتمان می‌کنند. ترجمه‌های ذکر شده طبق لغت‌نامه (نظر راغب اصفهانی) است.

آقای آیتی: ستمگران سر در گوش یکدیگر نهادند. در ترجمه آقای آیتی گویا اصلاً این واژه ترجمه نشده است.

۲-۶. تهجد

در آیه «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ» (الاسراء، ۷۹) تهجد به معنای ترک خواب، بیدارشدن از خواب است.

آقایان انصاریان، مکارم، مشکینی، الهی قمشه ای، مجتبوی و ترجمه المیزان: و بعضی از شب را به خواندن قرآن (در نماز) بیدار و متهدج باشند. آقای آیتی: پاره‌ای از شب را به نماز خواندن زنده بدار. آقای خرمشاهی: از شب هم بخشی را بیدار باش. آقای فولادوند: پاسی از شب را زنده بدار. همه ترجمه‌های فوق معنای موافق با آیات، روایت، لغتنامه و تفاسیر آورده‌اند.

۳-۶. ذریه

در آیه «وَ آيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ» (یس، ۴۱) ذریه به معنای فرزندان و نسل است.

آقایان انصاریان، الهی قمشه‌ای، مکارم، مشکینی، حجتی، مجتبوی و ترجمه المیزان: و برهان دیگر (نشانه‌ای) برای آنان که ما فرزندان آنان را در کشتی پر بار سوار گردانیدیم. ترجمه‌های فوق موافق با قرآن، لغتنامه و تفاسیر است. آقایان فولادوند و آیتی: عبرتی دیگر که نیاکانشان را در کشتی سوار می‌کنیم. این ترجمه‌ها طبق تفاسیر (ابن کثیر و مجمع البیان) است.

۴-۶. عسعس

در آیه: «وَ اللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ» (التکویر، ۱۷) عسعس به معنای پشت کردن شب است. آقایان مکارم، مجتبوی، فولادوند، خرمشاهی، حجتی: قسم به شب هنگامی که پشت کند. ترجمه‌های فوق طبق آیات، روایت، لغتنامه و تفاسیر آورده شده است.

آقایان الهی قمشه‌ای، آیتی و ترجمه المیزان: قسم به شب هنگامی که روی جهان را تاریک کند. این ترجمه‌ها واژه را طبق تفاسیر و لغتنامه ترجمه کرده‌اند. آقایان مشکینی و انصاریان: قسم به شب هنگامی که (روی می‌آورد و زمانی که) می‌رود. هر دو معنای ضدّ این واژه بدون ترجیح یکی از معانی آورده شده است.

۵-۶. قانع

در آیه: «وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ» (الحج، ۳۶) قانع به معنای فقیری که درخواست نمی‌کند و قانع است هرچه به او بدهند. آقایان مکارم، مشکینی، فولادوند، خرمشاهی، حجتی، انصاریان: به تهیدستانی که اهل درخواست کردن نیستند و فقیرانی که اهل درخواست کردن هستند بخورائید. آقای الهی قمشه‌ای و ترجمه المیزان: به فقیر و سائل هم بدهید. آقای آیتی: فقیران قانع و گدایان را اطعام کنید. آقای مجتبوی: نیازمند خرسند و بینوای خواهنده را بخورائید. همه ترجمه‌ها به نحوی معنای اصلی یا نزدیک به آن، موافق با روایت، لغتنامه‌ها و تفاسیر را آورده‌اند.

۶-۶. مسجور

در آیه «وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ» (طور، ۶) مسجور به معنای برافروختن است؛ درحالی‌که معنای پر هم در کنار آن بیاید. آقایان مجتبوی، مشکینی، حجتی، مکارم، فولادوند، انصاریان، ترجمه المیزان: و به دریایی که ملامال از آتش افروخته است. آقای الهی قمشه‌ای: به دریایی که آتش فروزان دارد. آقای خرمشاهی، آیتی: به دریایی که ملامال است. همه ترجمه‌ها معنای موافق با آیات، لغتنامه‌ها و تفاسیر است.

۶-۷. مقوین

در آیه «نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَ مَتَاعًا لِلْمُقَوِّينَ» (الواقعه، ۷۳) مقوین به معنای فقیر (از مسافران یا بادیه‌نشینان) است.

آقای حجتی و ترجمه المیزان: آن را وسیله زندگی مردم تهی دست و فقیر قرار دادیم. ترجمه‌های ذکر شده معنای موافق با روایت، لغتنامه‌ها و تفاسیر آورده‌اند. آقایان مکارم، مشکینی، آیتی و الهی قمشه‌ای: آن را وسیله زندگی برای مسافران قرار دادیم. آقایان انصاریان، مجتبوی و فولادوند: آن را تذکر و مایه استفاده برای صحرائنشینان و بیابان‌گردان قرار دادیم. در ترجمه‌های فوق معنای اصلی واژه که فقیر بودن است، آورده نشده است.

۶-۸. هجر

هجر در آیه «وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» (النساء، ۳۴) به معنای دوری کردن و جدایی است. همه ترجمه‌ها: از خوابگاهشان جدا (دورشان) کنید. در همه ترجمه‌ها معنا موافق قرآن، لغت‌نامه‌ها و تفاسیر است.

۶-۹. هوی

هوی در آیه «وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ» (النجم، ۱) به معنای سقوط و پایین آمدن (غروب) است. آقایان الهی قمشه‌ای، ترجمه المیزان، حجتی: قسم به اجرام آسمانی هنگامی که غروب می‌کنند. انصاریان: سوگند به ستاره هنگامی که برای غروب کردن در کرانه افق افتد. مکارم: قسم به ستاره هنگامی که افول کرد. مجتبوی، خرمشاهی، فولادوند: قسم به ستاره هنگامی که فرو شود. ترجمه‌های فوق معنای موافق با آیات، لغتنامه‌ها و تفاسیر را آورده‌اند. آقای آیتی: قسم به ستاره هنگامی که پنهان شد. معنای پنهان شدن موافق هیچ کدام از معیارها نیست. آقای مشکینی: سوگند به ستاره هنگامی که طلوع و غروب کرد. این ترجمه هر دو معنای ضدّ واژه را جایز دانسته است بدون این که فرقی بین معانی بگذارد.

۶-۱. یوزعون

در آیه «فَهُمْ يُوزَعُونَ» (النمل، ۱۷) یوزعون به معنای منع و باز داشتن (به منظور رسیدن آخری و جلو گیری از تفرق) است. آقایان مجتبی، مکارم، حجتی، انصاریان: آن‌ها را از حرکت باز می‌داشتند. ترجمه‌های فوق موافق لغتنامه و تفاسیر است. آقای آیتی: به صف می‌رفتند. آقای فولادوند: دسته دسته شدند. آقای خرمشاهی: به هم پیوستند. آقایان مشکینی و الهی قمشه‌ای: گردآوری شدند. ترجمه‌های فوق طبق هیچکدام از معیارهای صحت معانی نیست.

نتایج مقاله

۱. به طور کلی اضداد قرآنی که دارای دو معنای مقابل هم هستند در سه دسته جای می‌گیرند:
الف - واژگانی که یک معنای آن‌ها در آیات آمده است؛ مانند سامد، حسب، اخفی، اسر و...
ب - واژگانی که هر دو معنا با تکرار واژه در یک آیه یا چند آیه آمده است؛ مانند ظن، سجد و...
ج - واژگانی که در یک آیه هر دو معنا قابل حمل است؛ مانند رغب، عسعس، مقوین، هوی و...
۲. برای ترجیح معنی واژگان اضداد قرآن کریم در ترجمه، از آیات قرآن، روایات تفسیری، نظر اهل لغت و نظر مفسرین بعنوان معیارهای صحت معانی می‌توان استفاده نمود.
۳- بررسی بر روی ۱۰ واژه از اضداد قرآنی در ده ترجمه فارسی معاصر به این نتایج منتهی شد:
الف- برخی واژگان اضداد در همه ترجمه‌ها به معنای بدست آمده از آیات

- قرآن، روایات، لغتنامه‌ها و تفاسیر آمده است؛ مانند تهجد، اسرّ، قانع، هجر.
- ب- برخی واژگان در برخی ترجمه‌ها طبق تفاسیر ترجمه شده‌اند؛ مانند ذریه.
- پ- برخی واژگان در برخی ترجمه‌ها هر دو معنای متضاد آمده است بدون آن که ترجیحی در میان باشد؛ مانند عسعس، هوی.
- ج- برخی واژگان در برخی ترجمه‌ها به یک معنا و در ترجمه‌ای دیگر به معنای دیگر آمده است؛ مانند عسعس.
- د- برخی واژگان در برخی ترجمه‌ها طبق هیچ معیاری از معیارهای فوق ترجمه نشده‌اند؛ مانند یوزعون.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم به ترجمه آیتی، الهی قمشه‌ای، حجتی، خرمشاهی، رضایی اصفهانی، فولادوند، مجتبیوی، مشکینی و مکارم شیرازی.
۲. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیرالقران العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، (نرم افزار جمع التفاسیر نور)، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن انباری، محمد بن قاسم، الاضداد، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، کویت: دار الحدیث، ۱۹۶۰م.
۴. ابن سلیمان، مقاتل، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (نرم افزار جمع التفاسیر نور)، ۱۴۲۳ق.
۵. ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین احمد، ترتیب مقایس اللغه، به کوشش سیدرضا عسکری و حیدر مسجدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (کتابخانه دیجیتال مرکز نور)، ۱۳۸۷ش.
۶. ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم، غریب القرآن، تحقیق ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دارالمکتبه الهلال، (نرم افزار جمع التفاسیر نور)، ۱۴۱۱ق.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر قرآن العظیم، تحقیق: محمدحسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، (نرم افزار جمع التفاسیر نور)، ۱۴۱۹ق.
۸. ابن منظور، محمدبن مکرّم، لسان العرب، بیروت: دارالحدیث، (کتابخانه دیجیتال مرکز نور) ۱۴۱۳ق.
۹. ابوحنیفان، محمد بن یوسف، البحرالمحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر، (نرم افزار جمع التفاسیر نور)، ۱۴۲۰ق.
۱۰. ابوالطیب اللغوی، عبدالواحد بن علی، التضاد فی القرآن الکریم، دمشق: مجمع اللغه العربیه، ۱۴۱۶ق.
۱۱. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، (کتابخانه دیجیتال مرکز نور)، ۱۴۲۱ق.
۱۲. اسدتاش، محمدعلی؛ «بررسی واژگان اضداد در قرآن»، مجله صحیفه مبین، شماره ۱۸، ص ۱۰، (پایگاه اطلاع رسانی حوزه)، ۱۳۸۸ش.
۱۳. اصفهانی، راغب، معجم مفردات الفاظ القرآن، مترجم مصطفی رحیمی نیا، تهران: نشر سبحان، ۱۳۸۶ش.
۱۴. اصمعی، سجستانی، ابن سکیت، ثلاثه کتب فی الاضداد، آگوست هفتر، بیروت: آکاتولیکیه السیرعیین، ۱۹۱۲م.
۱۵. بازرگان، عباس، ارزشیابی آموزشی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها، ۱۳۸۰ش.
۱۶. بایسته، رضا، «اصول ترجمه و مبانی تئوری»، فصلنامه ترجمه، شماره ۲، ۱۳۶۵ش.
۱۷. البغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیرالقران، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (نرم افزار جمع التفاسیر نور)، ۱۴۲۰ق.
۱۸. بیضاوی، عبدالله عمر، انوارالتنزیل و اسرارالتأویل، بیروت: داراحیاء التراث العربی، (نرم افزار جمع التفاسیر نور)، ۱۴۱۸ق.
۱۹. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: نشر جاویدان، ۱۳۸۵ش.
۲۰. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا، ۱۳۵۲ش.
۲۱. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، ج سوم، بیروت: دارالکتب العربی، (نرم افزار جمع التفاسیر نور)، ۱۴۰۷ق.

۲۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، (نرم افزار جمع التفسیر نور)، ۱۴۰۴ق.
۲۳. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه به ترجمه محمد دشتی، تهران دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۲۴. شریعتمداری، جعفر، شرح و تفسیر لغات بر اساس تفسیر نمونه، تهران: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، (کتابخانه دیجیتال مرکز نور)، ۱۳۷۵ش.
۲۵. صفری، مسعود، آسیب شناسی ترجمه قرآن کریم در واژه و ساختار، قم: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۰ش.
۲۶. صفوی، سید محمد رضا، ترجمه قرآن کریم بر اساس میزان، تهران: دفتر نشر معارف، (سایت تخصصی ترجمه قرآن کریم)، ۱۳۸۸ش.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین، میزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (نرم افزار جمع التفسیر نور)، ۱۳۶۴ش.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، مترجمان، تحقیق رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی، (نرم افزار جمع التفسیر نور)، ۱۳۶۰ش.
۲۹. طبری، محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، (نرم افزار جمع التفسیر نور)، ۱۴۱۲ق.
۳۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، (کتابخانه دیجیتال مرکز نور)، ۱۳۷۵ش.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قیصر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (نرم افزار جمع التفسیر نور)، ۱۴۱۰ق.
۳۲. طیب حسینی، محمود، در آمدی بر دانش مفردات، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۹۰ش.
۳۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالتقلین، قم: نشر اسماعیلیان، (نرم افزار جمع التفسیر نور)، ۱۴۱۵ق.
۳۴. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۷۵ش.
۳۵. فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (نرم افزار جمع التفسیر نور)، ۱۴۲۰ق.
۳۶. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، قاهره: هیئة المصریة الحاقه الكتاب، (نرم افزار جمع التفسیر نور)، ۱۹۸۰م.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، چاپ اول، [بی‌جا]: اسوه، (کتابخانه دیجیتال مرکز نور)، ۱۴۱۴ق.
۳۸. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات صدر، (سایت تخصصی ترجمه قرآن کریم)، ۱۴۱۵ق.
۳۹. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۳۷۳ش.
۴۰. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ششم، تهران: دارالکتب الاسلامی، (سایت مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن)، ۱۳۷۱ش.

۴۱. قطرب، ابی علی محمد بن المستنیر، کتاب الاضداد، به تحقیق حنا حداد، بیروت: دارالعلوم، ۱۴۰۵ق.
۴۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتب، (نرم افزار جمع التفاسیر نور)، ۱۳۶۳ش.
۴۳. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، کنزالدقائق و بحرالفرائد، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، (نرم افزار جمع التفاسیر نور)، ۱۳۶۸ش.
۴۴. کوشا، محمدعلی، ترجمه‌های ممتاز در ترازوی نقد، قم: کتاب مبین، ۱۳۸۲ش.
۴۵. لطفی‌پور ساعدی، کاظم، درآمدی بر اصول و روش ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴ش.
۴۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه، (سایت مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن)، ۱۴۳۰ق.
۴۷. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۸۶ش.
۴۸. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، (نرم افزار جمع التفاسیر نور)، ۱۳۷۴ش.